

بررسی همگرایی جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

«همگرایی جهانی شدن»، به عنوان زیر ساخت حکومت جهانی امام مهدی موضوعی است که این مقاله به آن پرداخته است. شناخت الگوی مناسب، یا کشف آن برای ایجاد آمادگی منظور حرکت به سوی ظهور، مسئله‌ای ضروری است. هدف از اجرای این تحقیق، ارائه شاخصی است مناسب برای ارزیابی هماهنگی جهانی شدن به عنوان اتفاقات پیشاظهار با حکومت جهانی امام مهدی. تحلیل جهانی شدن در سه حوزه سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهد این رخداد به عنوان وقایع پیش از ظهور می‌تواند با جهانی شدن حکومت امام مهدی همخوان باشد. عبور جوامع بشری از مرزهای جغرافیایی و گرایش خرده فرهنگ‌ها به فرهنگ مشترک، به عنوان شاخصی مهم؛ نوید بخش حرکت جوامع به الگویی واحد برای اداره جهان است. این حرکت با پشت سر گذاشتن تدریجی اختلافات و رسیدن به یک جایگاهی مشترک و همگانی؛ زیرساخت گرایش به حکومت جهانی امام مهدی است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، مهدویت، حکومت جهانی امام مهدی، جهانی سازی.

۱. استاد مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعود گرایی. sm.manvi@chmail.ir

فرایند «جهانی‌شدن»، به واسطه پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی، روند گسست فضا و مکان را شتاب بخشیده و رشته‌های پیوند زنده، فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معینی را بیش از پیش گسسته است. بدین ترتیب، امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان‌رهایی می‌یابد و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می‌کند.

«جهانی‌شدن» از جمله اتفاقاتی است که نیم قرن گذشته مطرح شده و فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را پیش روی ادیان و مکاتب بشری قرار داده است. مهم‌ترین اتفاق در پی جهانی‌شدن، ادغام مرزهای سرزمینی و فرهنگی و اعتقادی است. در حقیقت گسستن مرزهای سرزمینی و توسعه قلمرو، همان چیزی است که متولیان این امر دنبال آن هستند. (شولت، ۱۳۸۲ش، ص ۴۷-۵۰). رابرتسون دریافت کرده است که ادیان را باید اولین مطرح‌کننده همگرایی خرده فرهنگ‌ها و متحد‌کننده دین‌ها با هم دانست. از دیدگاه او، ادیان جهانی با مراتبی متفاوت از صراحت، مبلّغ جهان واحدی بودند. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱). تأکید بر وحدت و همگرایی جوامع و فرهنگ‌ها در جهانی‌شدن، این مسئله را همخوان و هماهنگ با مهدویت جلوه داده است و از منظر محققان، می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و یا حداقل همخوان با مسائل پیشاظهار باشد. رحیم کارگر و امید درویشی با بررسی تأثیرات سیاسی جهانی‌شدن بر زمینه‌سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، جهانی‌شدن را مثبت ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فرصت‌های متعددی در آن برای تحقق انقلاب جهانی امام مهدی وجود دارند. (انتظار، ش ۵۲، ص ۱۱۳). رحیم کارگر با تحلیل توسعه فرهنگی در عصر ظهور و چشم‌انداز آن در جامعه منتظر، جهانی‌شدن را حرکتی کمی و تا حدی کیفی و منجر به توسعه فرهنگ هماهنگ با عصر ظهور می‌داند (انتظار، ش ۴۵، ص ۷). به رغم تلاش قابل‌سپاس پژوهشگران، همخوانی جهانی‌شدن موجود با حکومت جهانی امام مهدی در صورت شکست این جریان، بررسی نشده است. به همین لحاظ، این پژوهش به آن پرداخته و تلاش شده است به همخوانی جهانی‌شدن به عنوان تفکری راهبردی و ایده‌محور، نه فناورانه محور با مهدویت بنگرد.

جهانی‌شدن از منظر لغوی

«جهانی‌شدن» از نظر لغوی برابر نهاد واژه «globalization» - برگرفته از لغت «globe» - است.

لغت «globe» در معانی گره، گوی، کروی کردن، گرد کردن^۱؛ جهانی، عمومی^۲، جامع به کار می‌رود. بنابر این، واژه «globalization» را می‌توان به معنای «به هم پیوستگی جهان در تمامی عرصه‌ها» دانست که همانند یک موجود به هم پیوسته است.

جهانی‌شدن از نظر اصطلاحی

اما از نظر اصطلاحی برای جهانی‌شدن تعریف واحدی که جامع افراد و مانع اغیار باشد و اکثر نظریه‌پردازان در مورد آن توافق نظر داشته باشند؛ ارائه نشده و همچنان ابهامی معنادار بر مفهوم جهانی‌شدن سایه افکنده است. دلیل چنین ابهامی می‌تواند این امر باشد که «این پدیده به حد نهایی تکامل خود نرسیده است و هر روز چهره تازه‌ای از ابعاد آن نمایان می‌شود»^۳

برخی نظریه‌پردازان، جهانی‌شدن را عمدتاً با رویکرد اقتصادی معنا کرده‌اند. کومسا معتقد است که «جهانی‌شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست محیطی است»^۴.

برخی دیگر چون واترز جهانی‌شدن را «فرایندی اجتماعی می‌دانند که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده می‌شوند و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود»^۵.

برخی دیگر، جهانی‌شدن را فرایندی می‌دانند که به فشرده شدن زمان و مکان و در نتیجه تراکم آگاهی بشر منجر می‌شود. رابرتسون در مورد جهانی‌شدن می‌گوید: «مفهوم جهانی‌شدن هم، بر درهم فشرده شدن جهان، و هم، بر تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد»^۶. همان‌طور که بیان شد، ارائه تعریفی جامع از جهانی‌شدن کار دشواری است؛ اما می‌توان گفت: جهانی‌شدن پدیده نوظهوری است که در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی

۱. سلیمان حبیب، فرهنگ معاصر انگلیسی، ص ۳۵۰.

۲. مهدی نوروزی خیابانی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، ص ۲۰۱.

۳. پیتراهانس، دام جهانی‌شدن، ص ۱۴.

۴. ازفاو کومسا؛ ۱۳۸۸ جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ص ۱۸۳.

۵. مالکوم واترز، جهانی‌شدن، ص ۱۲.

۶. رولند رابرتسون، جهانی‌شدن، ص ۳۵.

بشری، دگرگونی‌های زیادی ایجاد کرده است و می‌تواند با فرهنگ مهدویت و همچنین ظهور امام زمان علیه السلام، که در آینده به یکی از مهم‌ترین رویدادهای بشری تبدیل می‌شود و جنبه جهانی دارد؛ ارتباط عمیقی داشته باشد.

با توجه به ظرفیت‌های خاص فرهنگ مهدویت، امروزه این فرهنگ در حوزه‌های مختلف، به ویژه حوزه جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفته و مجامع علمی، به مهدویت و جهانی‌شدن توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ به نحوی که این موضوع، کنفرانس‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های متعددی را به خود اختصاص داده است.

محورهای اصلی چنین رویکردهای علمی، از یک لحاظ بیان ابعاد، اهداف، نظریات، ویژگی‌ها و آثار جهانی‌شدن و مهدویت بوده و از سویی دیگر، ویژگی‌های حکومت جهانی مهدوی، مقایسه بین جهانی‌شدن و جهانی‌شدن اسلامی و مهدوی، امتیازات جهانی‌شدن مهدوی بر جهانی‌شدن غربی، معیارهای جهانی‌شدن غربی و مهدوی و مبانی جهانی‌شدن مهدوی را شامل می‌شود.

ابعاد جهانی مسئله جهانی شدن و ارتباط آن با مهدویت

جهانی‌شدن اقتصادی و مهدویت

یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی‌شدن، بُعد اقتصادی است. بسیاری از نظریه‌پردازان، وجه غالب جهانی‌شدن را اقتصادی می‌دانند. افزایش چشمگیر تجارت بین‌المللی، خصوصی‌سازی فعالیت‌های اقتصادی، گسترش شرکت‌های چند ملیتی، توسعه الکترونیکی ارتباطات تجاری، انتقال سریع فن‌آوری به دیگر کشورها، گسترش مراکز مالی جهانی، افزایش مهاجرت کارگران، رشد و تحول در ارتباطات حمل و نقلی و همچنین صرفه‌جویی در زمینه‌های تولیدی باعث شده است که جنبه اقتصادی جهانی‌شدن، بر دیگر ابعاد جهانی‌شدن تأثیرات چشم‌گیری داشته باشد.

با توجه به بعد اقتصادی جهانی‌شدن، چنین برداشت می‌شود که داعیه داران جهانی‌شدن ادعا می‌کنند در صدد رونق فعالیت‌های اقتصادی در تمام جهان هستند. تلاش آنان در این زمینه اگر به صورت صحیح و کارآمد در عرصه‌های بین‌المللی پیش برود، شاید در برخی عرصه‌ها موفقیت‌هایی کسب کنند؛ اما به صراحت می‌توان بیان کرد که طبق آموزه‌های ادیان آسمانی، به ویژه دین مبین اسلام، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و شکوفایی اقتصادی به صورت کامل، در دوران ظهور منجی

آخرالزمان محقق خواهد شد.

بر اساس روایات، چشم‌انداز اقتصادی عصر ظهور به گونه‌ای است که امام علی علیه السلام آن را فرصتی برای عرضه گنجینه‌های زمین به امام مهدی می‌داند، چنان که در روایت آمده است: «و تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقَالِيدَ كِبْدَهَا وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا؛ زمین میوه‌های دل خود را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد.» توزیع ثروت و تقسیم اموال آنچنان به صورت مساوی صورت می‌گیرد که امام باقر علیه السلام آن را موجب ریشه‌کن شدن فقر دانسته و فرموده است: «دیگر نیازمندی یافت نمی‌شود تا به او زکات بدهد.»^۱ پیامبر گرامی اسلام نیز آن دوران را زمان وفور نعمت دانسته است و در این باره تأکید کردند: «در آن زمان، امت پیامبر چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آنچنان از نعمت برخوردار نشده باشد. سرتاسر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد»^۲ همچنین امام باقر علیه السلام با اشاره به قرار گرفتن گنجینه‌های زمین در اختیار امام مهدی حکومت آن حضرت را فراگیر دانسته است. در متن حدیث آمده است: «گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌گردد و حکومت او شرق و غرب جهان را فرامی‌گیرد»^۳.

البته جهانی شدن در زمینه‌سازی این رونق و شکوفایی اقتصادی تاثیر مهمی دارد؛ چرا که زیرساخت‌های شکوفایی اقتصادی عصر پساظهور، تاحدودی در عصر پیشا ظهور شکل می‌گیرد.

به بیان دیگر، برای رسیدن به چنین عصر شکوهمندی، مسلماً باید زیر ساخت‌های اقتصادی تا حدودی به فعلیت رسیده باشند؛ زیرا بنا نیست تمامی موفقیت‌های دوران ظهور به واسطه معجزه باشد، بلکه به تلاش و کوشش انسان‌ها نیازمند است. به تعبیر آیت الله مکارم شیرازی، اگر بنا بود همه کارها با معجزه تحقق پذیرد، حضرت امام مهدی در پی ۳۱۳ یار شجاع و مطیع و فرمان بردار نبود و می‌توانست با قدرت الهی و بدون تکیه بر سرباز، خود، جهان را فتح کند^۴ بنابراین، ضروری است که مقدمات فنی تشکیل حکومت واحد جهانی آماده باشد و این امر تا

۱. محمد بن حسن (شریف رضی)، نهج البلاغه، ص ۱۹۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ص ۵۲.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ص ۴۸۷.

۴. محمد بن علی (ابن بابویه)، ص ۳۳۱.

۵. ناصر مکارم شیرازی؛ ۱۳۸۶ حکومت جهانی امام مهدی، ص ۸۵.

حدودی به واسطه جهانی شدن فراهم شده است. به تعبیر راسل «در قدیم فارس‌ها (ایرانی‌ها) و رومی‌ها به راه‌های خود متکی بودند؛ ولی چون سریع‌ترین وسیله آن روز، اسب بود و چون فاصله مرکز از مرزها خیلی زیاد بود، اداره امپراتوری امری محال به نظر می‌رسید. این اشکال با ظهور راه‌آهن و تلگراف تقلیل یافت، و با پیدایش بمبافکن‌های دور پرواز در حال از بین رفتن است. اکنون به لحاظ فنی مشکل بزرگی در یک امپراتوری وسیع جهانی وجود ندارد»^۱

البته باید این مسئله را نیز در نظر داشت که جهانی شدن در عرصه اقتصادی، معضلات بسیاری را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. نهادهای بین‌المللی موثر بر جهانی شدن، همانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول، تا کنون نتوانسته‌اند نسخه جامع و سالمی برای اقتصاد جهان بیچند تا مردم از دست این همه نامالایمات اقتصادی نجات پیدا کنند. به عنوان نمونه، استیگلیتز که مدتی رییس اقتصاددانان بانک جهانی بوده است؛ در مورد صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: «پس از نیم قرن که از فعالیت‌های این سازمان می‌گذرد، به روشنی می‌توان دریافت که صندوق بین‌المللی پول در رسیدن به اهداف خود شکست خورده و به اهداف بنیادین خود که همانا کمک به کشورهای در حال سقوط اقتصادی بوده؛ نرسیده است»^۲ عدم موفقیت جهانی شدن در بعد اقتصادی، باعث شده تا خیزش‌های مردمی بسیاری علیه جهانی شدن اقتصاد ایجاد شود.

همچنین جهانی شدن اقتصادی، برای جوامع بشری این آگاهی را به وجود آورده که دیگر قوانین اقتصادی موجود نمی‌توانند آن‌ها را به آنچه وعده‌اش را داده‌اند، برسانند و نیازهای به‌حقشان را برآورده کنند. بنابر این، به دنبال راه نجاتی از این منجلاب می‌گردند. به بیانی دیگر، آنان وضعیت موجود را بر نمی‌تابند و در پی رقم زدن وضعی مطلوب هستند، و این وضعیت مطلوب همان گمشده‌ای است که جوامع همواره دنبال آن هستند و سرانجام توسط امام زمان علیه السلام به انسان‌ها هدیه خواهد شد.

جهانی شدن سیاسی و مهدویت

جهانی شدن از بُعد سیاسی به این معنا است که مسائل سیاسی که فقط در محدوده سرزمینی خاصی مطرح بوده و به حوزه داخلی و حاکمیت ملی ارتباط داشته‌اند؛ به مسائلی فراملی، فرامنطقه‌ای و جهانی

۱. برتراند راسل، تاثیر علم بر اجتماع، ص ۴۲.

۲. جوزف استیگلیتز، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ص ۳۵.

تبدیل شده‌اند.

در جهانی شدن سیاسی، دیگر داشتن قلمرو سرزمینی گسترده، ملاک ارزیابی قدرت محسوب نمی‌شود و حاکمیت ملی دولت‌ها بر سرزمین‌ها بسیار کم‌رنگ است؛ به نحوی که «اصولا دولت‌ها نمی‌توانند با شهروندان خود هر طور که صلاح می‌دانند، رفتار کنند»^۱؛ چرا که جهانی شدن سیاست باعث شده تا حاکمیت ملی دولت‌ها تضعیف شود، به نحوی که دیگر نتوانند همانند گذشته استقلال کامل داشته باشند.

البته عوامل متعددی، از جمله شکل‌گیری قوانین بین‌المللی و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی دست به دست هم داده و حاکمیت ملی را به شدت تضعیف کرده‌اند. به تعبیر مورای: «یکی از عواملی که در شکل‌گیری تئوری اضمحلال قدرت دولت‌ها تاثیر داشته است، ظهور قوانین جهانی است که در سطحی بالاتر از دولت وضع می‌گردند»^۲

همچنین سازمان‌های بین‌المللی بر شکل‌گیری جهانی شدن تاثیر بسیاری داشته‌اند؛ به نحوی که واترز می‌گوید: «این سازمان‌ها یک شبکه تار عنکبوتی جهانی تشکیل می‌دهند که از طریق آن، تعیین هدف و تصمیمات مربوطه به نحوه تخصیص منابع جریان می‌یابد»^۳

واقعیت آن است که از جمله نکات مهمی که در بعد سیاسی جهانی شدن مطرح است، «حرکت به سوی حکومت جهانی و لزوم ایجاد یک قدرت برتر جهانی» می‌باشد؛^۴ حکومتی که در آموزه‌های دینی وعده تحقق آن داده شده است.

در قرآن کریم به جهت اشاره به این مطلب آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۵ در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد. تصور شکل‌گیری چنین حکومتی، در زمان‌های گذشته امری دشوار بود؛ اما جهانی شدن سیاسی توانسته است زیرساخت‌های فکری و تفکر راهبردی شکل‌گیری این حکومت

۱. دیوید هلد- آنتونی مک گرو، جهانی شدن و مخالفان آن، ص ۲۳.

۲. وارویک ای مورای، جغرافیای جهانی شدن، ص ۲۳۲.

۳. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۱۶۵.

۴. اندرو هیوود، سیاست، ص ۲۲۰.

۵. انبیاء: ۱۰۵.

جهانی را فراهم کند.

امروزه جهانی شدن، ظرفی را فراهم کرده است که تشکیل جامعه جهانی واحدی که قرآن کریم و روایات اهل بیت، وعده‌اش را داده‌اند، در آن تحقق عینی پیدا کرده است؛ چرا که «در روزگاران گذشته تصور حکومت فراگیر جهانی، همواره به دلیل وجود فاصله‌های زمانی و مکانی، با ابهاماتی همراه بوده است. پیش‌تر با توجه به دشواری اداره قلمرو وسیع و جهانی، ارتباط مستقیم نفی می‌شد؛ اما اینک در شرایط جهانی شدن، فهم ارتباط مستقیم و فراگیر در عرصه جهانی، حتی فراتر از کره زمین، به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی چندان مشکل نیست»^۱

همچنین بر اساس روایات اسلامی، با تشکیل حکومت مهدوی، مرزها هویت خود را از دست می‌دهند و همه دنیا در زیر یک پرچم و یک قانون و یک دین به سر خواهد برد و تمام پهنه زمین به یک کشور پهناور به مرکزیت شهر کوفه تبدیل می‌شود و کل مرزهای قراردادی ماهیت خود را از دست می‌دهند.

آنچه در مورد برداشته شدن مرزها در عصر ظهور وعده داده شده؛ مسئله‌ای است که در عصر جهانی شدن بر آن تاکید شده و عملاً در بسیاری از جاها مورد پذیرش قرار گرفته است. صاحب نظران در عرصه جهانی شدن «نظریاتی از قبیل مرگ جغرافیا»^۲ را برجسته کرده‌اند و اترز نیز می‌گوید: «امکان وجود یک جهان بدون مرز به قدری فراوان شده است که یک فرهنگ سیاسی مشترک در این زمینه در جوامع مختلف وجود دارد»^۳ بنابراین، جهانی شدن توانسته است این نکته را به افکار عمومی بقبولاند که در جهت یکی شدن حکومت جهانی، مرزها ماهیت قبلی خود را از دست داده‌اند، و این همان مسئله‌ای است که در عصر پساظهور به صورت کامل اعمال خواهد شد.

علاوه بر موارد مذکور می‌توان به صراحت بیان کرد که نظریه‌های سیاسی که در جهت بهبود وضعیت جامعه جهانی مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته‌اند، تا کنون نتوانسته‌اند انتظارات جامعه جهانی را در ابعاد سیاسی برآورده کنند؛ چرا که در سایه همین نظریات ارائه شده، پیامدهای منفی بسیاری گریبانگیر جامعه جهانی شده است؛ آثاری از قبیل تهدید کشورهای ضعیف، به‌وجود آمدن

۱. غلامرضا بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۱۶۹.

۲. وارویک ای مورای، جغرافیای جهانی شدن، ص ۹.

۳. مالکوم و اترز، جهانی شدن، ص ۱۷۴.

بلوک‌های قدرتمند سیاسی، به‌وجود آمدن مراکز نامرئی تصمیم‌گیری جهانی، از بین بردن استقلال برخی کشورها، کاهش تسلط دولت‌های ملی بر امور داخلی و محدودتر شدن حیطهٔ اختیارات و قدرت آن‌ها، گسترش تروریسم، قانونی شدن حقوق ظالمانه‌ای چون حق وتو، ایجاد افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها، افزایش جنگ و خونریزی؛ که هر کدام از این‌ها به نحوی باعث اعمال ظلم و ستم بر جامعهٔ جهانی شده است.

رهاورد چنین ظلم‌های سیاسی، خیزش و خروش ملت‌ها است که برای از بین بردن وضعیت نامطلوب و رقم زدن وضعیت مطلوب گام برداشته و بیش از پیش؛ پذیرای منجی موعود شده تا آنها را از نابسامانی‌های سیاسی نجات دهد.

جهانی‌شدن فرهنگی و مهدویت

جهانی‌شدن، فرهنگ‌های مختلف را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده و از این رو، بعد فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد جهانی‌شدن محسوب می‌شود. گسترش شبکه‌های ارتباطی و فناوری‌های رسانه‌ای در قالب کانال‌های متعدد ماهواره‌ای، افزایش دامنهٔ اینترنت و گسترش شبکه‌ای آن در سراسر جهان، تکثر پیام‌رسان‌ها در فضای مجازی، از میان رفتن مرزهای فرهنگی، رویارویی فرهنگ‌های متنوع و بسیاری از مسائل دیگر، گویای این تاثیر است.

تاثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ‌های مختلف، آن قدر عمیق است که تاملینسون می‌گوید: «جهانی‌شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم‌های فرهنگی در ذات جهانی‌شدن»^۱. کاستلز نیز معتقد است که «ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است؛ اولاً و اساساً ماهیتی فرهنگی است»^۲.

در جهانی‌شدن فرهنگی می‌توان دو دیدگاه کلان را مطرح کرد: دیدگاه اول عبارت است از گسترش فرهنگی خاص در عرصهٔ جهانی. دیدگاه دوم عبارت است از کثرت‌گرایی فرهنگی. به بیانی، دیگر جهانی‌شدن فرهنگ را می‌توان مانند سکه دو رویی دانست که یک روی آن نشان دهندهٔ غلبه فرهنگی خاص بر سایر فرهنگ‌هاست و روی دیگرش، کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگ‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس رویکرد اول، می‌توان گفت: اندیشه فراگیر کردن فرهنگ واحد جهانی، قدمتی طولانی دارد

۱. جان تاملینسون، جهانی‌شدن و فرهنگ، ص ۱۳.

۲. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۲۱.

و در امپراتوری‌هایی مانند چین و یا رم و همچنین در ادیان مسیحیت و یهودیت و اسلام به وضوح نمایان است. از منابع دینی اسلامی، چنین برداشت می‌شود که سرانجام، فرهنگی که بر کل دنیا حاکم می‌شود فرهنگ اسلام است. در فرهنگ جهانی اسلامی با اقدامات فرهنگی دولت کریمه امام زمان علیه السلام، تمامی فرهنگ‌ها به چالش کشیده می‌شوند و فرهنگ غالب در عصر ظهور، فرهنگ ناب اسلامی است.

با توجه به رویکرد دوم به فرهنگ در پی جهانی شدن فرهنگ، می‌توان چنین گفت که جهانی شدن نوعی تنوع فرهنگی را رقم زده است. در این زمینه یکی از فرهنگ‌هایی که می‌تواند به واسطه زیرساخت‌های جهانی شدن به خوبی رشد کند و توسعه یابد، فرهنگ مهدویت است. «کانون فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار، سنت و شعایر خاصی که پیرامون چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد»^۱. جهانی شدن توانسته است در ترویج این اندیشه سهم به‌سزایی داشته باشد.

در روند تنوع فرهنگی که جهانی شدن ایجاد کرده؛ فرهنگ مهدویت که از پشتوانه قوی‌ترین آموزه‌های اصیل اسلامی برخوردار است، می‌تواند در عرصه جهانی درخشندگی خاصی پیدا کند. این فرهنگ به واسطه زیرساخت‌های جهانی شدن، می‌تواند در بین فرهنگ‌های متنوع به خوبی عرض اندام کند و آموزه‌های اصیل خود را در معرض افکار جهانیان قرار دهد و در بین جوامع مختلف ریشه بدواند.

اگر پیروان فرهنگ‌های متنوع، با زیبایی‌های فرهنگ مهدوی آشنا شوند و احساس کنند که فرهنگ مهدوی با آموزه‌های فرهنگی شان تعارضی ندارد، به آن رغبت پیدا می‌کنند. به تعبیر سید محمد صدر: «اگر حضرت برای همگان شناخته شده باشد دست یافتن به او به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود»^۲

به پشتوانه روند روبه‌رشد و غیر قابل توقف فناوری‌های اطلاعاتی، افرادی مانند مک لوهان؛ سخن از دهکده جهانی می‌زنند و برخی دیگر از نظریه‌پردازان از نظریه دهکده جهانی مک لوهان عبور کرده و ایده کلبه جهانی را مطرح می‌کنند. مانوئل کاستلز می‌گوید: «ما در دهکده جهانی زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه در کلبه‌هایی به فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید، و در محدوده

۱. غلامرضا بهروزی لک، سیاست و مهدویت، ص ۶۷.

۲. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۵۱.

محلی توزیع شده‌اند»^۱

چنین بستر فرهنگی در عرصه بین‌الملل، باعث شده تا بسیاری از روایاتی که در مورد دوران پیشاظهار، ظهور و پساظهور بیان شده، برای افکار عمومی به خوبی ملموس شود؛ چرا که فهم چنین روایاتی «جز در پرتو گسترش عینی تکنولوژی، علم و اطلاعات که به عنوان جهانی‌شدن مطرح گردیده‌اند، قابل تفسیر و فهم نخواهد بود. در حقیقت آنچه در گذشته‌ها در این خصوص نقل شده بود، افسانه تلقی می‌شد، چون قابل فهم نبود؛ ولی امروزه که واقعیات عینی، منقولات گذشته دینی را به روز گردانیده است، معجزه تلقی می‌شود»^۲

به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام با اشاره به ارتباط مؤمن از شرق با غرب و بالعکس بر این مسئله صحه گذاشته است. در متن حدیث آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»^۳؛ در زمان حضرت مهدی، مؤمن ساکن در شرق عالم، برادر مؤمنش را که در غرب است، می‌بیند، و مؤمن ساکن در مغرب، برادر مؤمنش را که در مشرق است، می‌بیند. «همچنین امام باقر علیه السلام به هموار شدن ارتباط شیعیان با امام مهدی از راه دور و حل مشکل فاصله فیزیکی اشاره نموده است. به جهت اشاره به این مطلب در سخنان آن حضرت آمده است: «إِنْ قَائِمًا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكْلُمُهُمْ وَ يَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ»^۴؛ زمانی که قائم ما قیام کرد، خداوند به گوش‌ها و چشمان شیعیان ما مدد می‌کند تا با آنها [در هر جای دنیا باشند] حرف می‌زند و آن‌ها سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در جای خود قرار دارد».

چنین تعبیری که در برخی روایات منعکس شده است، برای نسل‌های گذشته اموری شگفت‌انگیز بود و فقط با داشتن روحیه تبعیدی می‌توانستند آنها را بپذیرند. اما امروزه به واسطه جهانی‌شدن و پیشرفت ارتباطات و زیرساخت‌های اطلاعاتی، چنین روایاتی نه تنها برای متشرعان؛ بلکه برای کسانی

۱. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ص ۳۹۷

۲. سید عبداللطیف سجادی، ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی، ص ۲۳۸.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۴. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۸۴۰.

که اعتقادات دینی هم ندارند؛ ملموس و قابل درک است.

در ورای این اتفاق، این حقیقت نیز وجود دارد که جهانی شدن فرهنگی، آثار و پیامدهای منفی فراوانی را رقم زده است که برخی از آنها عبارتند از: «تخریب مفاهیم فرهنگی، تخریب هویت‌های محلی، ملی و مذهبی، تغییر مرزبندی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، ایجاد تضاد، تعارض و گسست فرهنگی، استحاله و اضمحلال و نابودی فرهنگ» (نقلبری، ۱۳۹۳، ۱۰۶)؛ استعمار رسانه‌ای، کم رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، از بین رفتن امنیت فرهنگی، افزایش شبیخون فرهنگی، سکولاریزه شدن مفاهیم فرهنگی، گسترش و ترویج فساد و بی‌بندوباری، تغییر ذائقه ملت‌ها، بحران‌های فرهنگی و هویتی؛ که هر کدام از این آثار منفی، نوعی ظلم و ستم است که به واسطه جهانی شدن بر جوامع گوناگون، اعمال می‌شود و فرهنگ‌های فاسد و دردسرساز، در جوامع بشری را ترویج کرده است.

چنین فرهنگی که جهانی شدن برای جوامع گوناگون به ارمغان آورده است، در پرشدن زمین از ظلم و ستم، نقش اساسی دارد. این روند جامعه بشری را در زندانی سرشار از ظلم و ستم که به وسعت دنیاست، محبوس می‌کند. در چنین زندانی قاب زرین ارزش‌های اخلاقی شکسته می‌شود و ارزش‌هایی واژگون شده برای مردم به تصویر کشیده می‌شوند. نتیجه این نابسامانی‌های فرهنگی، فشارها و ظلم و ستم‌هایی است که از طرف ارزش‌های اومانسی بر جامعه جهانی اعمال می‌شود، و نیز انفجار فرهنگی و یا انقلاب و خیزش اجتماعی گسترده‌ای است که در جهت آزاد شدن از اسارت این نابسامانی فرهنگی و رهایی از این چنین زندانی و ورود به دنیای پساظهور است.

نتیجه گیری

جهانی شدن فارغ از نقدهایی که بر آن وارد است، از دو منظر با مهدویت در ارتباط است. نسخت آن که به عنوان اتفاقی هماهنگ با ظهور امام مهدی در حال وقوع است و از آن می‌توان به عنوان وقایع پیش از ظهور یاد کرد که به عنوان جریانی همخوان با مهدویت در حال وقوع است. دوم آن که جهانی شدن از جمله جریان‌هایی باشد که هم‌گرایی غیر مستقیم ایجاد کند به این معنی که جامعه جهانی پس از آن که به الگوی مشترک برای اداره جهان دست یافت، لکن در پی آن پرسیدن زمین از ظلم مشاهده می‌شود، با این وجود، جهان به عنوان یک کل واحد به نکته‌ای کلیدی دست می‌یابد که انسان به عنوان نوع واحد نیازمند حکومت جهانی عدالت محور و سازگار با فطرت است که آن حکومت جهانی امام مهدی است تا در پرتو آن به آرزوهای دیرینه بشری از جمله عدالت و امنیت و... که جهانی شدن مدعی آن است، دست یابد. به این لحاظ نیز جهانی شدن همخوان با حکومت جهانی امام مهدی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۲. ازفاو، کومسا، جهانی شدن و منطقه گرایی و تاثیر آن بر کشورهای در حال توسعه، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۴۷-۱۴۸، ۱۳۷۸ ش.
۳. استیگلیتز، جوزف، جهانی شدن و پیامدهای ناگوار آن، ترجمه محمدرضا باوفا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۴. امیدوی نقلبری، مهدی، اسلام، جهانی شدن و جهانی سازی، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ۱۳۹۳ ش.
۵. بهاء الدین نیلی، علی بن عبدالکریم، سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان عجل الله فرجه، دلیل ما، قم، ۱۳۸۴ ش.
۶. بهروزی لک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، موسسه آینده روشن؛ پژوهشکده مهدویت، قم، ۱۳۸۸ ش.
۷. تاملینسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۸. حبیب، سلیمان، فرهنگ معاصر انگلیسی، تهران، نشر موسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱ ش.
۹. رابرتسون، رولند، جهانی شدن، تئوریهای اجتماعی و فرهنگی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۰. راسل، برتراند، ۱۳۴۳ق، تاثیر علم بر اجتماع، مترجم محمود حیدریان، تهران، انتشارات دهخدا.
۱۱. سجادی، سید عبداللطیف، ۱۳۸۳ ش، ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی، قم، انتشارات چهارده معصوم.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، ۴۱۴ق، نهج البلاغه (صبحی صالح).
۱۳. صدر، محمد، ۱۳۸۲ ش، تاریخ غیبت کبری، تهران، نیک معارف.
۱۴. راوندی، قطب الدین، ۱۴۰۹ق، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مطبعه العلمیه.
۱۵. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۵ ش، عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مک لوهان، مارشال، آینه‌های جیبی، ترجمه ابراهیم رشید پور، تهران، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، ۱۳۵۲ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجله الله تعالی فرجه نسل جوان، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۹. مورای، وارویک ای، جغرافیای جهانی شدن، ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبدالمهدی، نشر چاپار، تهران، ۱۳۸۸ش.
۲۰. نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۱. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۲۲. هلد، دیوید؛ مک گرو، آنتونی، جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۳. هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمان عالم، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲ش.
۲۴. هانس، پیتر مارتین، دام جهانی شدن، مترجم حمیدرضا شهمیرزادی، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱ه. ش.